



درباره یکی از صنعت‌های سودآور که حدود ۷۰سال پیش در گرمای بی‌امان شهر زائرپذیر مشهد بکه تازی می‌کرد

یک مشهد بود و یک لیمونادش

سیده‌نعمه زینبی! وقتی آفتاب تیغ یله تیزش را از کمان آسمان به زمین پرتاب می‌کند، تشنگی بیش از هر چیزی آدم پریشان و بی‌حوصله از گرما را اذیت می‌کند، به‌ویژه در تابستان‌های شهر که سایه‌درخت برای جان‌پناه گرفتن هم سخت پیدا می‌شود. در این وضعیت خیال کنید یکی، یک لیوان شربت خنک تعارف‌تان کند، از همان شربت‌های تگری که شکرین شده و کمی از خنکای آلبومی دستی هم در آن چکانده‌اند. این نوشیدنی که توصیفش رفت، لیموناد است؛ نخستین نوشیدنی صنعتی ارزان و خاطره‌ساز مشهد قدیم که هنوز هم بساطش از میان نوشیدنی‌های سنتی شهر جمع‌نشده است. جالب است بدانید سال‌ها پیش، جمع زائران تشنه و شربت‌خنگ ارزان، زمینه‌ساز پا گرفتن بازاری می‌شود که در تاریخ شهر با نام «لیمونادسازی مشهد، از آن یاد می‌شود. همراه ما باشید و قصه این ترکیب هوس‌انگیز را در داغی این روزها بشنوید.

طرح: رضا جلی شورا

رؤیای کارخانه لیمونادسازی خراسان

اما این تولیدچندان خالی از دردسر نیست؛ مسئله بهداشت مهم‌ترین آن‌هاست؛ دردسری که درنهایت تولید لیموناد مشهد و طعم تابستانی‌اش را پایان می‌دهد و سبب می‌شود هر دو به‌خاطره تبدیل شود، اسناد باقی‌مانده پیش از دهه ۴۰ قرن گذشته نشان از آن دارد که غیربهداشتی بودن تولید این نوشیدنی در ادامه، کار دست تولیدکنندگان می‌دهد، ۱۸شهر یور سال ۳۸ پس از اینکه بارها اخطارهای بهداشتی به تولیدکنندگان لیموناد در مشهد داده می‌شود، جلسه‌ای برگزار می‌شود و تصمیم‌گیرندگان برآن می‌شوند تا بلکه تولیدکنندگان را به‌سمت بهداشتنی کردن محصولاتشان سوق دهند. طبق این صورت‌جلسه، کارخانه‌ها باید دستگاه‌هایی را که با آن‌ها لیموناد می‌ساختند، با دستگاه‌های خودکار و تأییدشده اداره بهداشت عوض می‌کردند. ازآنجایی که تجهیزیک کارخانه صنعتی مدرن، ممکن است ازعده کارگاه‌های لیمونادسازی خارج باشد، صاحب چند کارخانه‌ای که پای

کم‌دردسر و پرسود می‌گردد، مکانی را برای خود اجاره کرده، با اندک اسباب تولید، آستین‌ها را بالا بزنند و نوشیدنی‌های سردشبه‌ترکیب لیموناد تولید کنند. درکنار این لیمونادهای دستی، روزنامه شهامت در سال ۱۳۱۶ خبر از وجود سه کارخانه لیمونادسازی در مشهد می‌دهد که گویا همه‌شان، کهنه‌و فرسوده‌هستند و تجهیزات کاملی هم ندارند. با شرح حالی که رفت، لیمونادسازی در جایگاه یک نوشیدنی ساده‌وارزان قیمت، درمشهدفروش‌خوبی داشته و ثقل بازار این شهر بوده است. معمولاً ماده اصلی این شربت از خارج وارد کشور می‌شده و با افزودن آب، به شکل بسته‌بندی شیشه‌ای که آن را به‌صورت دستی پر می‌کردند، به بازار عرضه می‌شده است. این وضعیت و بازار خوب سبب می‌شود در اواخر دوره پهلوی، مشهد به قطب لیمونادسازی کشور تبدیل شود. نکته جالب دیگر درباره کارگاه‌های لیمونادسازی مشهد، نشان می‌دهد که پراکندگی لیمونادسازی‌ها در خیابان‌های اطراف حرم مطهر، بیشتر است و همین موضوع روشن می‌کند بازار هدف این تولیدات، بیشتر بر زائرانی تمرکز داشته که در همه روزهای سال و به‌خصوص در هرم گرمای بهار و تابستان به مشهد قدم می‌گذارند.



از شربت تا لیموناد

شربت‌فروشی سنتی در ایران، قدمتی قاجاری دارد که از دید سفرنامه‌نویسان دور نمانده است. «کلارا کولیور رایس» در سفرنامه‌اش نوشته است: «ایرانی‌ها عاشق نوشیدنی‌های خنک هستند». همچنین «هانری رنه‌دالمانی» که در دوران قاجار به ایران سفر کرده، در خاطرات خود از این موضوع یاد می‌کند: «ایرانیان در میان غذا، دوغ یا شربت می‌آشامیدند و نیز در هنگام تابستان به‌جای چای و قهوه، شربت‌های خنک مصرف می‌کردند». در مهمان‌سرای حضرت نیز از دوره قاجار، ردونشان شربت و دوغ دیده می‌شود، اما ازآنجا که همه‌چیز در طول زمان به‌سمت صنعتی شدن پیش رفته است، شربت‌ها هم از این موضوع دور نمانده‌اند و اندک‌اندک شکل صنعتی به خود گرفته‌اند. نشان لیموناد هم که می‌توان آن را نخستین نوع نوشیدنی صنعتی دانست، از همین‌جا ثبت می‌شود، در واقع قصه صنعت لیمونادسازی در شهر زیارتی امام‌هشتم^(۲)، سر درازی دارد که ما را به حوالی هشتاد سال پیش می‌برد، در سال‌های نخست قرن چهاردهم هم‌زمان با افزایش مجاوران و مسافران در تابستان، بازاری در این شهر به‌وجود می‌آید و سبب می‌شود هرکسی به‌دنبال یک کار

صورت کارخانه‌های خطاری!

در این صورت‌جلسه خبری از کارخانه‌هایی که با مقررات اداره بهداشت، لیموناد تولید می‌کنند، نیست. اما فهرست کارخانه‌های لیمونادسازی غیرمجازی را که در صورت‌جلسه به آن‌ها اخطار داده شده است، می‌توان آورد. آدرس‌های درج‌شده در این سیاهه نشان می‌دهد که این کارخانه‌ها بیشتر در داخل شهر و نزدیک مناطق زائرپذیر پا گرفته‌اند و بنابراین وسعت چندانی ندارند.

صاحبان کارخانه‌ها هم اگرچه نام کارخانه

شاید مافیای لیمونادسازی در کار بود

در نامه‌های بعدی که در این پرونده وجود دارد، ردپای اهمال نیز دیده می‌شود و با وجود پیگیری اداره بهداشت برای تعطیلی این کارخانه‌ها، آن‌ها همچنان به کار خود ادامه می‌دهند.

درباره یک خانه تاریخی

جواهری در اندرزگو

کاشی آبی

زینبی! خانه تاریخی جواهری سقف و ستون‌هایی است که بیش از صدسال، حصار امن زندگی آدم‌هایی بوده است که روزگارشان را در آن گذرانده‌اند؛ گنجینه‌ای به‌جای‌مانده از تاریخ که در سال ۱۳۸۴ به ثبت آثار ملی ایران رسیده است؛ این خانه که با ۲۷۰متر وسعت در یکی از فرعی‌های خیابان اندرزگو و در کوچه منتهی به بازار سرشور(سرشور ۱۳) همچنان روز را به شب و شب را به روز پیوند می‌دهد وپلاک ۲۱۱ بر

خراسان‌نامه

درباره یک رباط یاقفته در خاک خراسان زعفرانیه؛ یادگار عصر سلجوقی



دکتر رجیعیلی لایف‌خانیک

به استناد شواهد برجای‌مانده و سفرنامه‌ها، زعفرانیه یکی از منزل‌های بسیار مهم راه‌ابریشم بوده است؛ به همین دلیل در آن منزل، امکانات رفاهی متنوعی ازقبیل کاروان‌سرا، چاپارخانه، یخدان، مسجد، حمام و آب‌انبار برای بهره‌برداری مسافران و زائران ساخته شده است که مهم‌ترین آن‌ها «رباط زعفرانیه» است.

● رباط زعفرانیه کجاست؟

این رباط یا کاروان‌سرا در سی‌وشش کیلومتری شرق سبزوار، با فاصله‌کمی از حد جنوبی جاده نیشابور-سبزوار، در حاشیه جنوبی روستای کهن زعفرانیه قرار گرفته است. کاروان‌سرای زعفرانیه از شکوه و صلابت خاصی برخوردار است و همواره توجه مسافران راه‌ابریشم را به خود جلب کرده است، به گونه‌ای که بسیاری به آن اشاره و به اهمیت آن ادعان کرده‌اند. «حکیم الممالک، «سیف‌الدوله»، «هوتوم‌شیندلر»، «ناصرالدین‌شاه»، «اعتمادالسلطنه»، «امین لشکر»، «لرد کرنز»، «افضل‌الملک»، «اعتماد‌الملک»، «جیمز بیلی فریزر»، و «خانیکوف» جزو کسانی بوده‌اند که رباط زعفرانیه را دیده‌اند، در کتاب‌ها و سفرنامه‌های خود به آن اشاره کرده و کمابیش آن را توصیف کرده‌اند.

● زعفرانیه در سفرنامه سیاحان

برخی از این سفرنامه‌نویسان در توصیف خود، بنای اولیه رباط زعفرانیه را به دوران سلجوقی و برخی نیز به دوران صفوی نسبت داده‌اند اما همه آن‌ها متفق‌القول نوشته‌اند که بنای فرسوده و نیمه‌ویران رباط زعفرانیه در عصر ناصرالدین‌شاه قاجار مرمت اساسی شده است.

● معمار ی رباط زعفرانیه

از نظر ساختاری، رباط زعفرانیه بنایی آجری با نقشه مستطیل شکل مشتمل بر یک میان‌سرای وسیع مربع، چهار ایوان، یک پیشخوان و هشتی ورودی، ۲۴ غرفه و ۲۴ حجره در انتهای غرفه‌ها و طولیه‌ها یا مال‌بندهایی در انتهای جوانب کاروان‌سرا و پشت حجره‌ها و بارانداز‌های مرتفع در چهار گوشه بناست. همچنین هریک از اندام‌های کاروان‌سرا از امکانات و تجهیزات لازم مانند بخاری دیواری، طاقچه، پلکان، غرفه و سکوهایی برای اقامت خرگهی به‌برخوردار بوده است.

ورودی این کاروان‌سرا از انتهای ایوان بلندی به داخل راه می‌یابد و ایوان ورودی، خود بخشی از پیشخوانی است که برای استقبال از مسافران با دو پایه عریض در دو طرف، آغوش گشوده است. پس از ورودی، هشتی قرار گرفته است و در دو سوی هشتی نیز دو اتاق قرار دارد که یکی از آن‌ها احتمالاً اقامتگاه سرایه‌دار رباط بوده است و دیگری، کارکرد فروشگاه مواد خوراکی و اقلام ضروری مسافران را داشته است. بر دو ضلع کوچک شمال‌غرب و جنوب‌شرق هشتی هم پلکان کم‌عرضی به بام، منتهی می‌شده است.

بعد از هشتی، فضای مستطیل شکل دیگری است که از دو سوی شرق و غرب به باراندازها و درنهایت به مال‌بندها راه داشته و به مسافر امکان می‌داده است که قبل از ورود به صحن، محموله‌های خود را به بارانداز تحویل دهد و چهارپای خود را در مال‌بند به

اخیه ببندد و آن‌گاه خود در حجره‌ای آرام گیرد.

ایوان شمالی در مقابل ایوان ورودی، احتمالاً «شاه‌نشین» کاروان‌سرا بوده است؛ زیرا ساختار آن با دیگر ایوان‌ها متفاوت است، به این معنی که وسعت آن نسبتاً زیادتر است و در انتهای آن سه اتاق تعبیه شده است و علاوه بر آن، در دو طرف ایوان دو اتاقک با سردر تزئینی مزین به مقرنس‌های گهگچی قرار دارد و به‌نظر می‌رسد آن ایوان به‌لحاظ زیبایی، نقطه عطف بنا باشد.

بر بدنه بیرونی بنا در سمت جنوب یا جبهه ورودی بر هرطرف پیشخوان، چهار غرفه با تجهیزات لازم تعبیه شده که گویا پاسخگوی نیاز اقامتی مسافرانی بوده است که به‌دلیل ازدحام مسافر، امکان اقامت در حجره‌ها را نیافته‌اند.

در چهار گوشه بنا، چهار برج قطور استوانه و بر میانه دیوارهای شمالی، شرقی و غربی سه برج نیم‌استوانه تکیه زده‌اند و می‌توانستند کاربرد سه‌گانه‌ای داشته باشند؛ درون آن‌ها کاربری‌ای مانند انبار یا آبریزگاه(مستراح) داشته باشد، بر فراز آن‌ها، نگهبانان و قراولان از رباط پاسداری کنند و در مجموع حکم پشتیبان و تکیه‌گاه دیوارها را داشته باشند تا دچار رانش نشوند.

● قدمت رباط زعفرانیه



درباره قدمت بنا علاوه بر تاریخ‌گذاری‌هایی که سفرنامه‌نویسان کرده‌اند، می‌توان این‌گونه فرض کرد که در زعفرانیه به‌دلیل مسادت آب‌وهوا و امکانات دیگر، از گذشته‌های دور حتی پیش از اسلام، «احتمالاً، کاروان‌سرا یا اقامتگاهی برای اسکان مسافران راه‌ابریشم وجود داشته‌امادر دوران سلجوقیان» بی‌تردید، چنین اقامتگاه‌هایی بوده است. این رباط در دوره‌های گوناگون به اقتضای زمان و نیاز مسافران کاروان‌سرای فرسوده قبلی، مرمت و گسترش یافته است که گویا در دوران صفویه و قاجار، بیشترین دخل‌وتصرف در آن رخ داده و حداکثر وسعت و رونق را به خود دیده است.

رباط زعفرانیه در سال ۱۳۴۶ خورشیدی با شماره ۱۶۹۶ در فهرست آثار ملی، ثبت شد و به‌تازگی تاحدودی مرمت شده است. این رباط همچنین به‌دلیل جایگاه مناسبتش درکنار شاهراه ارتباطی، آب‌وهوای مناسب، فضاهای متنوع کاربری، ویژگی‌های معماری در دوره‌های مختلف تاریخی و برخورداری از سازه‌های کاربردی مجاور نه‌تنه ارزش و اهمیت کالبدی زیادی دارد، بلکه از ارزش مطالعاتی فراوانی نیز بهره‌مند است.

شهر

شنبه
۲۷ خرداد ۱۴۰۲
۱۸ اردیبهشت ۱۴۴۴
۳۱۵ شماره

۱۵



درباره یک خانه تاریخی

طرح: رضا جلی شورا

کارخانجات آلوده مشغول به کارند!

اگر اخبار بعدی را دنبال نکنیم، تصور می‌کنیم همه‌چیز به خیر و خوشی تمام شده و مشهد صاحب یک کارخانه به‌روز و صنعتی شده است اما ماجرای کارخانه‌های غیربهداشتی در این شهر، همچنان لاینحل بوده است.

برای نمونه شهریور ۱۳۴۰ ابراهیم یوسفی، کارشناس اداره بهداشت، گزارشی نوشته است که از بازدید از این کارخانه‌ها خبر می‌دهد: «نواقصی که از این کارخانه‌ها در این گزارش درج می‌شود، می‌گوید که هیچ تغییر رویه‌ای در آن‌ها ایجاد نشده و خبری هم از کارخانه لیمونادسازی خراسان نیست. انگار کارخانه ماسو با مدیریت حسین احمدیان، تنها

به آن باز نمی‌گردد و در جست‌وجوهای بعدی نیز پرونده مفقود می‌شود و در همه مکاتباتی که میان شهرداری، بهداشتی و اداره بهداشت موجود است، هیچ نشانی از پیدا شدن دوباره آن وجود ندارد. یک پرونده که باید به دادسرا برود، یک‌باره ناپدید می‌شود. شصت سال پس از آن، وقتی نگاهی به این

دندان‌موشی و پرکار، جلوه دیگری به چهره این خانه قدیمی داده است. درها و پنجره‌ها چوبی و قدیمی هستند. اتاق‌ها ساده‌اند و مسیرهای دسترسی به طبقه دوم، یکی در گوشه سمت راست و چسبیده به ساختمان پیچ می‌خورد و به تراس طبقه دوم می‌رسد و دیگری، پلکانی است که در داخل بنا قرار دارد. پله‌های آجری با کف پله سنگی بالا رفته‌اند و کف‌فرش حیاط که زیر پای میهمانان میزبانی می‌کند، خشتی است. دیوارهای این خانه با آجرکاری خفته و راسته و رخ‌بام ساده با آجرهای لعاب‌دار فیروزه‌ای زینت یافته‌اند. حوض سنگی قدیمی اندودشده با ماسه و سیمان نیز در وسط حیاط و در همسایگی یک باغچه قرار دارد.



منبع:
اسناد سازمان ملی اسناد و کتابخانه‌های ایران، کتاب تاریخ اقتصادی مشهد، علی نجف‌زاده و قصابیان گزکوه، از لیموناد تا کانادادرای، غلامرضا آذری‌خاکستر اخبار منتشرشده در جراید خراسان